۱

آشنایی با آیین نگارش زبان فارسی

توجه: مطالب این ارائه از کتاب "آیین نگارش علمی" اقتباس گردیده است که توسط آقای دکتر عباس حری نوشته شده است.

ضرورت درس

سوال: آشنایی با آیین نگارش فارسی چه کمکی به یک دانشجوی مهندسی مکانیک می‌نماید؟

برای پاسخ به این سوال بهتر است که نگاهی به متن زیر که از کتاب درسی استاتیک گرفته شده است، داشته باشیم. آیا می‌توانید در این متن اشتباهی پیدا کنید؟

3

ضرورت درس

در فصل قبل تعادل جسم صلب و یا مجموعه‌ای از چند عضو متصل به هم را که در کل بتواند به صورت جسم صلب در نظر گرفته شود بررسی کردیم در حل مسائل ابتدا دیاگرام آزاد جسم مورد نظر را که همه نیروهای خارجی وارد بر آن را نشان می دهد رسم می کردیم و سپس معادلات تعادل نیروها و گشتاورها را به کار می بردیم در این فصل به تعیین نیروهای داخلی سازه یعنی عمل و عکس العمل بین اعضای آنها میپردازیم. هر سازه مهندسی مجموعه ای از چند عضو متصل به هم است که برای نگهداری یا انتقال نیروها و برای تحمل مطمئن بارهای وارده ساخته میشود. در تحلیل نیرویی سازه‌ها لازم است که اعضای سازه را از هم جدا کنیم و دیاگرام آزاد هریک از اعضا یا مجموعه ای از آنها را تحلیل کنیم تا نیروهای داخلی بدست آیند.

در متن بالا چند ایراد نگارشی می‌توان پیدا کرد؟

فهرست مطالب

- نقطه‌گذاری و سجاوندی
- نکاتی در مورد آیین نگارش فارسی

6

ضرورت درس

در فصل قبل تعادل جسم صلب و یا مجموعه‌ای از چند عضو متصل به هم را که در کل بتواند به صورت جسم صلب در نظر گرفته شود بررسی کردیم در حل مسائل ابتدا دیاگرام آزاد جسم مورد نظر را که همه نیروهای خارجی وارد بر آن را نشان می دهد رسم می کردیم و سپس معادلات تعادل نیروها و گشتاورها را به کار می بردیم در این فصل به تعیین نیروهای داخلی سازه یعنی عمل و عکس العمل بین اعضای آنها میپردازیم. هر سازه مهندسی مجموعه ای از چند عضو متصل به هم است که برای نگهداری یا انتقال نیروها و برای تحمل مطمئن بارهای وارده ساخته میشود. در تحلیل نیرویی سازه‌ها لازم است که اعضای سازه را از هم جدا کنیم و دیاگرام آزاد هریک از اعضا یا مجموعه ای از آنها را تحلیل کنیم تا نیروهای داخلی بدست آیند.

نقطه گذاری

نقطه‌گذاری به شکل جدید، گرچه در متون کهن فارسی سابقه ندارد، امروزه جزء جدایی ناپذیر نوشته‌های فارسی شده و چاره‌ای جز به کار بردن آنها نیست. در این بخش به کاربردهای علایم زیر پرداخته می‌شود:

- نقطه
- ویرگول
- نقطه ویرگول
- دو نقطه
- علامت سوال
- علامت تعجب
- گیومه
- خط فاصله کوتاه
- خط فاصله بلند
- کمانک (پرانتز)
- قلاب (کروشه)
- سه نقطه

7

سجاوندی (نقطه.)

معمولا از نقطه در کاربردهای زیر استفاده می‌شود:

۱) نقطه معمولا در انتهای جمله خبری و نیز در پایان جمله امری خفیف و پرسش غیر مستقیم قرار می‌گیرد؛ مانند:

انرژی کرنشی میله به دست می آید.
بار بحرانی را به‌دست آورید.
استاد پرسید کدام کمیت را باید تعیین کرد.

۲) پس از شماره‌های ترتیب در سر فصل‌های متن یا شماره‌های ارجاع در پانویس مانند:

۱. خیز تیرها

8

سجاوندی (نقطه.)

از نقطه در موارد زیر استفاده نمی‌شود:

۱) هرگاه سیاهه‌ای از مطالب به صورت عمودی در پی هم بیاید، در انتهای هر ردیف از کلمات نقطه لازم نیست: مانند:

این توزیع‌ها عبارتند از:
توزیع نرمال
توزیع ویبول
توزیع لگاریتمی

۲) هرگاه ردیف‌ها شامل عبارت‌های طولانی یا جملات باشند در انتهای هر ردیف نقطه ویرگول می‌آید و تنها در انتهای آخرین ردیف نقطه گذاشته می‌شود؛ مانند:

زیری‌هایی که در تماس الاستیک بوده‌اند؛
زیری‌هایی که در تماس پلاستیک بوده‌اند؛
زیری‌هایی که اصلا در تماس نبوده‌اند.

۳) سر فصل‌های فرعی متن نیز هرگاه در سطری مستقل بیاید، نیاز به نقطه پایانی ندارد.

۴) ممیز در اعداد فارسی، "/" است نه ".".

9

سجاوندی (ویرگول،)

ویرگول کوتاهترین درنگ در تداوم اندیشه و ساختمان جمله را نشان می‌دهد، و اگر درست به کار رود بیش از هر نشانه دیگر سبب آسان خواندن و درک بهتر نوشته می‌شود. مواردی از کاربرد ویرگول عبارتند از:

۱) جمله اصلی را از جمله تابعی که معمولا با "و"، "اما"، "ولی"، "زیرا"، و امثال آن آغاز می‌شود جدا می‌سازد؛ مانند:

تکیه‌گاه‌های ثابت در حقیقت بر تمام سطح نیرو وارد می‌کنند، ولی این نیروها را می‌توان به یک سیستم نیرو-کوپل تبدیل نمود.

۲) پس از جمله قیدی که بر جمله اصلی مقدم باشد؛ مانند:

وقتی مشخص شد سازه چند درجه نامعین است، راه حل صحیح را انتخاب کنید.

۳) پس از عبارات و اصطلاحاتی نظیر: " برعکس "، " از سوی دیگر "، " در نتیجه"، " به علاوه "، " لیکن "، " با این همه "، " بدین ترتیب "، " به عبارت دیگر "، و امثال آن؛ مانند:

با این همه، پرسش دوم شما همچنان به قوت خود باقی است.

10

سجاوندی (ویرگول،)

۴) هرگاه کلمات و عبارت های بالا در میان جمله قرار گیرند، دو سوی آنها ویرگول خواهد آمد؛ مانند:

پرسش دوم شما، به هر حال، به قوت خود باقی است.

۵) برای جدا کردن سلسله‌ای از کلمات، عبارات، یا جملات همسنگ؛ مانند:

برای تکیه گاه های غلتکی دوراهه، رابط ها، بوش ها، و پین ها واکنش را در یکی از دو جهت می توان در نظر گرفت.

۶) باید توجه داشت که پیش از آخرین عنصر از این سلسله، علاوه بر ویرگول، واو عطف نیز افزوده می‌شود.

۷) برای جداکردن عطف بیان، بدل، یا عبارات و جملات معترضه از جمله اصلی؛ مانند:

برادرت، حسین، را دیدم.
مشخصات این روانکار، که سیالی نیوتونی است، در جدول زیر آمده است.

۸) برای جداکردن بخش خبری و بخش سوالی جمله؛ مانند:

روش دوم راه حل بهتری است، مگر نه؟

11

سجاوندی (ویرگول،)

۹) بعد از عبارات خطابی در مکاتبات غیر رسمی؛ مانند:

نویسنده گرامی،

۱۰) وقتی بیم آن برود که جمله غلط خوانده شود؛ مانند:

پس از خوردن، شیر چند خمیازه کشید و به خواب رفت.
از نظر کمانش، سازه به درستی طراحی شده بود.

۱۱) وقتی عبارتی متعارض در میان جمله قرار گیرد؛ مانند:

اندیشه فرد، نه کلام او، شایان توجه است.
این راه، هرچند دشوار، تنها راه منطقی است.

12

سجاوندی (ویرگول،)

ویرگول را در موارد زیر نباید به کار برد:

۱) پیش از حرف عطفی که دو خبر متعلق به یک مبتدا را از یکدیگر جدا می‌کند؛ مانند:

سازمان‌ها باید شبکه‌های مربوط به خود را طراحی کنند و به ارزیابی اطلاعات بازیابی شده از آنها بپردازند.

۲) وقتی اجزای یک جمله همگی با حرف عطف از یکدیگر جدا می‌شوند؛ مانند:

انواع تکیه‌گاه‌ها شامل غلتکی و لولایی و ثابت را باید مشخص کرد.

13

سجاوندی (گیومه " ")

گیومه برای نشان دادن سخن نقل شده یا متمایز کردن کلمه، عبارت یا جمله‌ای در نوشته بکار می‌رود و کاربرد آن بدین قرار است؛ مانند:

۱) برای مشخص کردن نقل قول مستقیم؛ مانند:

گفت:"من او را ندیده ام ".

۲) برای متمایز کردن عنوان موضوع‌ها؛ مانند:

سخنرانی‌های همایش بیشتر در حوزه‌هایی چون " سازماندهی "، " اشاعه "، " فنون گردآوری "، و امثال آن بود.

۳) برای نشان دادن عنوان شعرهای کوتاه، داستان‌های کوتاه، مقاله‌ها، فصول کتاب‌ها، ترانه ها، قطعه‌های کوتاه موسیقی، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، مقاله‌های ارائه شده در همایش، و گزارش‌های علمی چاپ نشده؛ مانند:

" غبار برف " رابرت فراست
" لکه سیاه " فصل سوم کتاب جزیره گنج
برنامه رادیویی " راه شب "

14

سجاوندی (خط فاصله کوتاه-)

۱) برای نشان دادن حد فاصل دو عدد (نظیر صفحات یک متن یا تاریخ‌ها)؛ مانند:

ص ۱۲۷-۱۲۵
سال ۱۳۵۶-۱۳۴۶

۲) برای نشان دادن ترکیب میان دو کلمه یا اصطلاح؛ مانند:

اوضاع اقتصادی-اجتماعی
بیماری‌های جسمی-روحی

۳) برای نشان دادن حد فاصل دو محل؛ مانند:

قطار تهران-مشهد

۴) برای نشان دادن بریدگی کلمه در انتهای سطر؛ مانند:

.... منشی-
گری .....

15

سجاوندی (خط فاصله بلند —)

۱) برای نشان دادن تغییر ناگهانی یا شکستن استمرار سخن در جمله، یا بیانی معترضه؛ مانند:

سرانجام نفت را به قرار بشکه ای دوازده دلار —که قیمت بالایی هم نبود— فروختند.

۲) برای نشان دادن تکرار تاکیدی؛ مانند:

تصمیم داشت اشعار او —تمامی اشعار او— را حفظ کند.

توجه: هرگاه بیان معترضه به انتهای جمله ختم گردد، تنها از یک خط فاصله در آغاز آن استفاده می‌شود و خط فاصله انتهایی لازم نیست؛ مانند:

سرانجام به آن تصمیم راضی شد— تصمیمی که حتی برای توجیه خودش نیز دلایل کافی نداشت.

16

سجاوندی (کمانک ( ))

۱) در دو سوی جملات یا عبارات معترضه و توضیحی؛ مانند:

امیدوار است (ما هم امیدواریم) که این بار موفق شود.
این ناشر (با ۴۰۰ کارمند) یکی از بزرگترین ناشران است.

۲) هرگاه بخواهیم عددی را هم با حرف و هم با عدد نشان دهیم؛ مانند:

مدعی است که میتواند کار را ظرف سی (۳۰) روز تحویل دهد.

۳) برای مشخص کردن منابعی که، به جای پانویس، به صورت درون متنی درج می شود؛ مانند:

قول او شبیه قول ابن خلدون (مقدمه، ج۱، ص۱۰۷) است.

17

سجاوندی (کمانک ( ))

در مورد کمانک توجه به نکات زیر ضروری است:

- پیش از کمانک هیچ گونه نقطه گذاری انجام نمی شود.
- هرگاه مطلب داخل کمانک و سایر مطالب هم‌زمان به پایان برسند، نقطه پایانی بیرون کمانک گذاشته می‌شود.
- در پایان مطلب داخل کمانک تنها علامت سوال و تعجب را می‌توان به کار برد.

18

سجاوندی (کروشه [])

۱) برای نشان دادن اطلاعات افزوده به نقل قول، به منظور رفع ابهام یا تکمیل ساخت نحوی جمله؛ مانند:

"او [حسن] نیز از حمله افرادی بود که در جنگ شرکت جست".
"نباید از آزادی [گریخت و] به اسارت تن داد".

۲) به جای کمانک در داخل کمانکی دیگر؛ مانند:

این مطلب را از همان کتاب (فصل پنجم [یا بخش پنجم]) نقل کرده بود.

سجاوندی (سه نقطه...)

۱) برای نشان دادن یک یا چند کلمه حذف شده؛ مانند:

... این نیروها قابل تحمل توسط جسم نبودند.
فرهنگ هایی چون لغتنامه، فرهنگ فارسی، برهان قاطع، و ... از این دسته اند.

۲) هرگاه سه نقطه در پایان یک جمله قرار گیرد، نقطه پایانی نیز به آن افزوده می‌گردد؛ مانند:

نیروهای اعمالی توسط جسم... .

گیومه « »

- **شکل گیومه در کشورهای مختلف، متفاوت است:**
- **فرانسوی (بی‌گوشه)** « »
- **فرانسوی (با گوشه)** << >>
- **آلمانی(یکی روی خط کرسی و دیگری پایین آن)** " "
- **انگلیسی فرد(یکی و بالای خط کرسی)** ' '
- **انگلیسی زوج (دو تا و بالای خط کرسی)** " "

در فارسی گیومه فرانسوی بی‌گوشه « » و گاهی هم گیومه انگلیسی زوج، استفاده می شود: «اخلاق ناصری»، "اخلاق ناصری"

آیین نگارش

درباره آیین نگارش فارسی متون و منابع گوناگونی تهیه شده است و سازمان‌های انتشاراتی عمده، مراکز پژوهشی، دایره‌المعارف‌ها، و مجله‌های علمی هریک شیوه نامه خاصی را تدوین کرده در اختیار مولفان و محققان می‌گذارند.

شیوه نامه نگارشی که در ادامه به آن اشاره می‌گردد، منطبق بر شیوه نامه مندرج در کتاب «دستور خط فارسی» مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی می‌باشد.

اصل ۱۵ قانون اساسی – زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است.
اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان وخط باشد ....

آیین نگارش

رعایت فاصله‌گذاری:

فاصله‌گذاری میان کلمات، خواه بسیط و خواه مرکب، امری ضروری است که اگر رعایت نشود طبعاً سبب بدخوانی و ابهام معنایی می‌گردد.

در نوشته‌های فارسی دو نوع فاصله وجود دارد:

۱- فاصله «برون کلمه» یعنی فاصله‌گذاری میان کلمه‌های یک جمله یا عبارت، مانند «یکی از صاحبدلان سر به جیبِ مراقبت فرو برده بود» فاصله یک‌حرفی

۲- فاصلهٔ «درون کلمه» که معمولاً میان اجزای ترکیب و اغلب در حروف منفصل می‌گذارند: خردورزی، آزادمرد. نیم‌فاصله

آیین نگارش

۱) گاهی ترکیب واحدی از تک واژه ها، با تکیه گفتاری متفاوت، دو گونه جدا می سازد؛ مانند:
او پیش رفت.
پیشرفت او سریع بود.
آنچه بود.
آن چه بود؟

۲) در مصدرهای مرکب و گروه های فعلی، اصل بر جدانویسی اجزا قرار دارد؛ مانند:
به‌صدا در آوردن
به‌سر بردن

۳) عبارت های عربی که وارد فارسی شده‌اند به صورت اصلی خود نوشته می‌شوند؛ مانند:
ان‌شاءالله
علی‌رغم
علی‌حده

آیین نگارش

۴) "ه" در آخر کلمه های عربی، بستگی به تلفظ آن در فارسی دارد. اگر در فارسی " ت " خوانده شود به همان صورت و اگر " ه " خوانده شود به صورت "ه" نوشته می‌شود؛ مانند:
رحمت، زکات
علاقه، معاینه

۵) همزه پایانی کلمه در حالت اضافه تبدیل به "ی" می شود؛ مانند:
املای، اجزای، اعضای

۶) برای کلمات مختوم به های غیرملفوظ، در حالت مضاف، از علامت «ء» استفاده می‌شود:
خانهٔ من، نامهٔ او

۷) در واژه های فارسی از به کار بردن "ی" کوتاه شده که به غلط همزه تلقی می‌شود، پرهیز شود. به جای آن بهتر است از " ِ " استفاده شود؛ مانند:
آیین، آیینه، پاییز، روشنایی، پایین، روییدن

آیین نگارش

۸) همزه میانی:

الف) اگر حرف پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسی «ا» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوت «ای» و «او» و «ـ» باشد که در این صورت روی کرسی «ـئ» نوشته می‌شود.
رأفت، مأنوس، شأن
رئیس، لئیم، مطمئن، رئوف

ب) اگر حرف پیش از آن مضموم باشد، روی کرسی «و» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوت «او» باشد که در این صورت روی کرسی «ـئ» نوشته می‌شود:
رؤسا، مؤسسه، مؤذن
شئون، رئوس

ج) اگر حرف پیش از آن مفتوح یا ساکن و حرف پس از آن حرف «ا» باشد، به صورت زیر نوشته می‌شود:
مأخذ، قرآن، مرأت

در کلیه کلمات دیگر و در کلمات خارجی با کرسی «ـئ» نوشته می‌شود:
مسئول، مسئله، ناپلئون، ویدئو، کاکائو، هیئت استثناء: توأم

آیین نگارش

نشانهٔ همزه*

همزهٔ میانی

الف) اگر حرفِ پیش از آن مفتوح باشد، روی کرسیِ «ا» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّتِ «ای» و «او» و « ـــ » باشد که در این صورت روی کرسیِ «ی» نوشته می‌شود:

رأفت، تأسّف، تلألؤ، مأنوس، شأن

رئیس، لئیم، رئوف، مئونت، مطمئن، مشمئز

تبصره: در کلمات عربی بر وزنِ «مُتَفَعِّل» نظیر متأثّر، متأخّر، متألّم که در تداول، اولین فتحهٔ آنها به کسره تبدیل شده، همان صورتِ عربیِ آن ملاک قرار گرفته است.

ب) اگر حرفِ پیش از آن مضموم باشد، روی کرسیِ «و» نوشته می‌شود، مگر آنکه پس از آن مصوّتِ «او» باشد که در این صورت روی کرسیِ «ی» نوشته می‌شود:

رؤیا، رؤسا، مؤسّسه، مؤذّن، مؤثّر، مؤانست

شئون، رئوس

* گاهی، خصوصاً در خوشنویسی، در زیر همزهٔ پایانی «ء»، بدون اینکه به کلمهٔ دیگری اضافه شده باشد، علامتی شبیه کسره می‌گذارند که صحیح نیست.

آیین نگارش

ج) اگر حرفِ پیش از آن مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «أ» باشد، به صورتِ ـأ آ نوشته می‌شود:
مأخذ، لآلی، قرآن، مرأت

در بقیهٔ موارد و در کلّیهٔ کلماتِ دخیلِ فرنگی با کرسیِ «ء» نوشته می‌شود:
لئام، رئالیست، قرائات، استثنائات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت،
لئون، سئول، تئاتر، ئئون[1]
استثنا: توأم

همزهٔ پایانی

الف) اگر حرفِ پیش از آن مفتوح باشد (مانند همزهٔ میانیِ ماقبلِ مفتوح)، روی کرسیِ «ا» نوشته می‌شود:
خطأ، ملأ، مبدأ، منشأ، ملجأ

ب) اگر حرفِ پیش از آن مضموم باشد (مانند همزهٔ میانیِ ماقبلِ مضموم)، روی کرسیِ «و» نوشته می‌شود:
لؤلؤ، تلألؤ

ج) اگر حرفِ پیش از آن مکسور باشد، روی کرسیِ «ی» نوشته می‌شود:
متلألئ[2]

د) اگر حرفِ پیش از آن ساکن یا یکی از مصوّتهای بلندِ «آ» و «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود:
جزء، سوء، شیء، بُطء، بطیء، سماء، ماء، املاء، انشاء[3]

۱. کلمهٔ هیدروژن گاهی پیدروژن نوشته می‌شود که صحیح نیست.
۲. کلمهٔ منشی در اصل مُنشِئ بوده است که در فارسی «ء» به «ی» بدل شده است.
۳. همزهٔ پایانی بدون کرسی در کلمات **انشاء، املاء، اعضاء**، در فارسی، در اضافه به کلمهٔ بعد از خود، غالباً حذف می‌شود و به جای آن «ی» میانجی می‌آید، مانند **انشای خوب، اعضای بدن**، ولی حفظ همزهٔ آن هم صحیح است: **انشاءِ خوب، اعضاءِ بدن**.

آیین نگارش

تبصرهٔ ۱: کلماتی مانند **انشاء، املاء، اعضاء** در فارسی بدون همزهٔ پایانی هم نوشته می‌شود که صحیح است.

تبصرهٔ ۲: هرگاه همزهٔ پایانیِ ماقبلِ ساکن (بدون کرسی) یا همزهٔ پایانیِ ماقبلِ مفتوح (با کرسیِ «ا») و یا همزهٔ پایانیِ ماقبلِ مضموم (با کرسیِ «و») به یای وحدت یا نکره متّصل شود، کرسیِ «ء» می‌گیرد و کرسیِ قبلیِ آن نیز حفظ می‌شود.

جزئی، شیئی، منشائی، لؤلؤئی

راهنمای کتابتِ همزه، در صفحات بعد، در جدول شمارهٔ ۳، ارائه شده است.

آیین نگارش

۹) به در موارد زیر پیوسته نوشته می‌شود:
۱. هنگامی‌که بر سر فعل یا مصدر بیاید (بای زینت):
بگفتم، بروم، بنماید، بفرمود
۲. هرگاه صفت بسازد:
بخرد، بنام، بهنجار
به در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:
به برادرت گفتم، به‌سربردن، به‌آوازبلند، به‌سختی، منزل‌به‌منزل، به‌نام خدا

۱۰) «و» میان دو کلمه (به صورت رابط) جدا نوشته می‌شود؛ مانند:
گفت‌وگو، جست‌وجو

۱۱) «بی» همیشه از کلمه پس از خود جدا نوشته می شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن نباشد:
بی‌قرار، بی‌حال، بی‌حوصله
بیجا (به معنی گزافه و نامربوط)، بیهوده

آیین نگارش

۱۲) «ها» علامت جمع جدا نوشته می شود:
دایره المعارف‌ها، گنجشک‌ها

۱۳) «هم» همواره از کلمه پس از خود جدا نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:
۱. کلمه بسیط‌گونه باشد:
همشهری، همسایه، همچنان
۲. جزء دوم تک هجایی باشد:
همدرس، همکار، همراه
۳. جزء دوم با مصوت «آ» شروع شود:
همایش، هماهنگ، هماورد
در صورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، هم جدا نوشته می‌شود:
هم‌آرزو، هم‌آرمان
تبصره: هم، بر سر کلماتی که با «الف» یا «م» آغاز می‌شود، جدا نوشته می‌شود:
هم‌اسم، هم‌میهن، هم‌مسلک

31

آیین نگارش

۱۴) «تر» و «ترین» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شوند، مگر در:
بهتر، مهتر، کهتر، بیشتر، کمتر

۱۵) «گذار» و «گزار» جدا نوشته می‌شود:
قانون‌گزار، مین‌گذاری، بنیان‌گزار

۱۶) تنوین به آخر اسم‌های فارسی و غربی افزوده نمی‌شود؛ بنابراین ترکیب‌های زیر درست نیست:
ناچاراً، گاهاً

۱۷) واژه‌های دارای هجای میانی «ـو ووـ» با دو واو نوشته می‌شود:
طاووس، داوود

32

آیین نگارش

۱۸) علامت جمع «ین» را تا حد امکان نباید در فارسی به کار برد:
محصلان به جای محصلین، مهندسان به جای مهندسین، معلولان به جای معلولین

۱۹) قبل از ویرگول و نقطه در متن فاصله تایپ نمی‌شود اما بعد از آن‌ها فاصله منظور می‌گردد.

۲۰) «که» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود :
چنان‌که، آن‌که (=آن‌کسی‌که)
استثنا: اینکه، بلکه، آنکه

۲۱) «چه» همواره به کلمه پیش از خود می‌چسبد:
آنچه، چنانچه، ماهیچه، کتابچه

۲۲) «چه» جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:
چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

33

آیین نگارش

۲۳) «را» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:
چرا در معنای «برای‌چه؟» و در معنای «آری»، در پاسخ به پرسش منفی.

۲۴) «هیچ» جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود:
هیچ‌یک، هیچ‌کدام، هیچ‌کس

۲۵) این، آن جدا از جزء و کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:
استثنا: آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا

۲۶) می و همی همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:
می‌شود، می‌رود، همی‌گوید

توجه: فرهنگستان زبان و ادب فارسی در خصوص جدانویسی و پیوسته‌نویسی قواعدی را تدوین نموده که در اینجا تنها به پاره‌ای از آنها اشاره گردید. جهت توضیحات بیشتر می‌توانید به این مرجع مراجعه فرمایید.

34

آیین نگارش

۲۷) یک پاراگراف در بردارنده موضوعی واحد است. تا قبل از تغییر موضوع، نباید پاراگراف جدید ایجاد کرد.

35

اسلایدهای مکمل

سجاوندی (نقطه ویرگول؛)

۱) وقتی عناصر یک مجموعه با ویرگول از یکدیگر جدا می شوند، عناصر بزرگتر آن مجموعه را با نقطه ویرگول مشخص می سازند؛ مانند:

درصد مردودین به این ترتیب بود: کلاس الف، ۹درصد؛ کلاس ب، ۳درصد؛ و کلاس ج، ۷ درصد.

۲) وقتی اطلاعات کتاب شناختی چند منبع در پانویس به دنبال هم بیاید، حد فاصل هر منبع و منبع بعدی با نقطه ویرگول مشخص می شود؛ مانند:

ترابی، ص ۵۲؛ اکبری، ص ۱۰۱.

37

سجاوندی (دو نقطه:)

۱) برای نشان دادن عبارت یا جمله ای که معنای قسمت پیش از خود را گسترش میدهد، روشن می سازد، یا با مثال و نمونه تشریح می کند؛ مانند:

جمله ضعیفی بود: نه وحدت داشت و نه پیوستگی.
مردم در جستجوی دو چیزند: صلح و رفاه.

۲) پس از اصطلاحات یا عباراتی که حاکی از شرح یا نقل قول باشد؛ مانند:

این چهار کشور عبارتند از: ایران، پاکستان، افغانستان، و ترکیه.
سپس چنین ادامه داد:" اگر حضور نمی یافتی، نمی دانستم باید چه کنم ".

۳) برای جداکردن عنوان اصلی از عنوان فرعی در اطلاعات کتابشناختی پانویس و فهرست مآخذ؛ مانند:

سخن و اندیشه: گزیده ای از آثار منظوم و منثور ادبیات سنتی و نو.

38

سجاوندی (علامت سوال؟)

۱) در پایان جمله پرسشی مستقیم، خواه جمله اصلی باشد یا بخشی از جمله اصلی؛ مانند:

حاصل این تلاش ها چه بود؟
این که " اول مرغ بود یا تخم مرغ؟ " سوال بی ربطی است.

۲) در موارد تردید؛ مانند:

حکیم عمر خیام، شاعر و ریاضی دان ایرانی (؟-۵۰۶؟)

39

سجاوندی (علامت تعجب!)

این علامت، گذشته از تعجب، برای سایر حالات شدید عاطفی نظیر دعا، التماس، زنهار، امر، نهی، تاکید، ندا، استهزا و امثال آن نیز به کار می رود؛ مانند:

چه هولناک!
مواظب باش!

40